

تفسیر سورہ

مُرسَلات

سیمای سوره مرسلات

این سوره پنجاه آیه دارد و در مکه نازل شده است. نام سوره برگرفته از آیه اول است که با «مرسلات» آغاز شده است و مراد از آن، فرشتگانی هستند که از سوی خداوند برای انجام امور مختلف، فرستاده می شوند.

این سوره نظیر سوره های انبیاء^(۱)، قمر^(۲)، حج^(۳)، واقعه^(۴)، حاقه^(۵)، قیامت^(۶)، نباء^(۷)، تکویر^(۸)، انفطار^(۹)، انشقاق^(۱۰)، غاشیه^(۱۱)، قارعه^(۱۲) و زلزال^(۱۳) با آیات مربوط به معاد شروع شده است. چنانکه مانند سوره های فاطر، ذاریات و نازعات با سوگند به فرشتگان آغاز شده است.

در این سوره، آیه «وَلِیُّومِئذٍ لِّلْمُكَذِّبِیْنَ» ده مرتبه تکرار شده، همان گونه که در سوره الرحمن آیه «فَبَآئِیْ آلَاءِ رَبِّکَمَا تَکْذِبَانِ» و در سوره قمر آیه «فَکَیْفَ کَانَ عَذَابِیْ وَ نَذْرِیْ» تکرار شده است.

-
- | | | |
|--|--|---|
| ۱. «اَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ». | ۲. «اَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ». | ۳. «اِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَیْءٌ عَظِیْمٌ». |
| ۴. «اِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ». | ۵. «الْحَاقَّةُ مَا الْحَاقَّةُ». | ۶. «لَا اَقْسَمُ بِیَوْمِ الْقِیَامَةِ». |
| ۷. «عَمَّ یَتَسَاءَلُوْنَ». | ۸. «اِذَا الشَّمْسُ کُوِّرَتْ». | ۹. «اِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ». |
| ۱۰. «اِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ». | ۱۱. «هَلْ اَتَاكَ حَدِیْثُ الْغَاشِیَةِ». | |
| ۱۲. «الْقَارِعَةُ مَا الْقَارِعَةُ». | ۱۳. «اِذَا زُلْزِلَتِ الْاَرْضُ زَلْزَالَهَا». | |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا ﴿۲﴾ فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا ﴿۳﴾ وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا ﴿۴﴾ فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا ﴿۵﴾ فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا ﴿۶﴾ عُذْرًا أَوْ نَذْرًا ﴿۷﴾ إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعُ

به فرستاده‌های پی در پی سوگند. پس به طوفان‌های سهمگین (سوگند).
به نشرده‌ندگانی (که حق را به نیکویی) نشر می‌دهند سوگند. پس آنان که
به طور کامل (بین حق و باطل) فرق می‌گذارند. پس به القا کنندگان ذکر (و
وحی به پیامبران). برای (رفع) عذر یا هشدار و انذار. همانا آنچه وعده داده
می‌شوید، واقع شدنی است.

نکته‌ها:

- کلمه «عُرف» به معنای پی در پی است و به یال اسب که موهای ردیف دارد، عُرف گویند.
این واژه به معنای نیک و پسندیده نیز آمده و کلمه‌ی «معروف» از آن است.
- برای اموری که در پنج آیه اول این سوره به آنها سوگند یاد شده، یعنی «المرسلات،
العاصفات، الناشرات، الفارقات و الملقیات»، سه تفسیر بیان شده است:
الف: برخی از مفسران عقیده دارند مراد از آنها انواع باده‌ها و طوفان‌ها است؛^(۱)
ب: برخی عقیده دارند که مراد از آنها انواع فرشتگان است؛^(۲)

۱. تفسیر کبیر فخر رازی. ۲. تفسیر المیزان.

ج: برخی عقیده دارند که آیات اول و دوم مربوط به باد و طوفان و آیات سوم تا پنجم مربوط به فرشتگان است و این تفکیک به خاطر نوع حرف عطف است، زیرا حرف «واو» در اول آیه نشانه جدایی و حرف «فاء» در اول آیه نشانه اتصال است.

■ «العاصفات» جمع «عاصف» به معنای باد شکننده و سخت است، چنانکه در آیه ۱۲ سوره یونس می‌خوانیم: ﴿رِیحٌ عَاصِفٌ﴾ و کلمه «عصف» به معنای تندباد است، مانند: ﴿كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ﴾^(۱)، ﴿وَالْحَبِّ ذُو الْعَصْفِ﴾^(۲)

■ اگر مراد از «عاصفات» را فرشتگان بدانیم، معنای آیه چنین است که فرشتگان، فرمان الهی را با شدت و سرعت انجام می‌دهند. نظیر آیاتی که می‌فرماید: ﴿يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾^(۳) و یا ﴿هُمْ بَأْمَرِهِ يَعْمَلُونَ﴾^(۴).

■ در کنار هم آمدن سوگند به بادهای و فرشتگان، شاید به خاطر شباهت میان باد و فرشته باشد، از این نظر که هر دو لطیف و سریع‌اند و در آفرینش و تدبیر امور نقش دارند.

■ کلمه «ملقیات» به صورت جمع آمده است، شاید به خاطر آن که گاهی فرشتگان دیگری همراه فرشته وحی یعنی جبرئیل نازل می‌شوند و شاید به خاطر آن باشد که گاهی فرشته و گاهی افراد و امور دیگر وسیله تذکر انسان شده و مسایلی را به انسان القا می‌کنند.

■ خداوند متعال باید حجت را بر مردم تمام کند و جلوی بهانه‌ها و عذر تراشی‌ها را بگیرد. ﴿عَذْرًا﴾. در آیه ۱۳۴ سوره طه نیز می‌خوانیم: اگر قبل از آمدن انبیا مردم را هلاک کنیم، عذر خواهند آورد و می‌گویند: چرا پیش از این پیامبری نفرستاد تا ما از او پیروی کنیم و گرفتار نشویم.

■ در صفات سه گانه ناشرات، فارقات و ملقیات یک سیر طبیعی وجود دارد. یعنی ابتدا باید فرشتگانی معارف را گسترش دهند: «الناشرات»، سپس در سایه آن، حق و باطل و حلال و حرام از هم جدا شوند: «الفارقات» و به دنبال آن، ذکر القا شود. ﴿فَالْمَلَقِيَاتُ ذِكْرًا﴾^(۵)

۳. نحل، ۵۰.

۲. الرّحمن، ۱۲.

۱. فیل، ۵.

۵. تفسیر المیزان.

۴. انبیاء، ۲۷.

پیام‌ها:

- ۱- آنچه از جانب خداوند فرستاده می‌شود، مقدّس و قابل سوگند خوردن است.
﴿والمّرسلات﴾
- ۲- الطاف خداوند، دائمی و مستمر است.^(۱) ﴿والمّرسلات عرفاً﴾
- ۳- آنچه از جانب خداوند نازل می‌شود، خیر است.^(۲) ﴿والمّرسلات عرفاً﴾
- ۴- در نظام آفرینش، حتّی وزش باد به طور تصادفی نیست، بلکه آفریدگار جهان، آن را می‌فرستد. ﴿المّرسلات﴾
- ۵- مأموریت‌های مهم، باید به سرعت انجام شود. ﴿عصفاً﴾
- ۶- در جهان‌بینی الهی، نرمی و سختی هر کدام به جای خود ارزشمند است.
﴿عرفاً... عصفاً﴾
- ۷- توسعه و گسترش به معنای نادیده گرفتن اصول و چارچوب نیست.
﴿والناشرات نشرّاً فالفرقات فرقا﴾
- ۸- در نظام هستی کارها تقسیم شده و هر کاری به فرد یا گروهی سپرده شده و این رمز یک مدیریت موفق است. ﴿المّرسلات، الناشرات، الفارقات﴾
- ۹- در نظام الهی، تکوین و تشریع در کنار یکدیگرند. ﴿والمّرسلات... فالملقیات ذکرّاً﴾
- ۱۰- در مأموریت‌های ارشادی باید مطلب به مخاطبان تفهیم شود. ﴿فالملقیات ذکرّاً﴾
- ۱۱- هرگونه ذکر، الهام، علم و خطور حق از سوی خداوند است. ﴿فالملقیات ذکرّاً﴾
- ۱۲- خداوند با تفاوت‌هایی که میان حق و باطل قرار داده، هم اتمام حجّت کرده است: ﴿عذراً﴾ و هم هشدار می‌دهد. ﴿نُذراً﴾
- ۱۳- در مأموریت‌های ارشادی، باید راه‌های بهانه‌جویی مسدود شود. ﴿عذراً او نذراً﴾
- ۱۴- برای امور مهم همچون وقوع قیامت، سوگندهای متعدّد مفید و راهگشا

۱. این معنا در صورتی استفاده می‌شود که کلمه «عُرف» را به معنای پی در پی بدانیم.

۲. در صورتی که کلمه «عُرف» را به معنای خیر و نیکی بدانیم، نظیر آیه «وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ».

است. «والمرسلات، فالعاصفات، والناشرات، فالفارقات، فالملقیات، انما توعدون لواقع»
 ۱۵- انسان در مورد قیامت، دائماً نیاز به تذکر و یادآوری دارد. «فالملقیات ذکراً... انما توعدون لواقع»

﴿۸﴾ فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ ﴿۹﴾ وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ ﴿۱۰﴾ وَإِذَا
 الْجِبَالُ نُسِفَتْ ﴿۱۱﴾ وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِتَتْ ﴿۱۲﴾ لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ
 ﴿۱۳﴾ لِيَوْمٍ الْفَصْلِ ﴿۱۴﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ

پس آنگاه که ستارگان محو شوند. و آنگاه که آسمان شکافته شود. و
 آنگاه که کوهها از ریشه کنده شود. و آنگاه که برای رسولان (برای ادای
 شهادت) وقت تعیین شود. برای چه روزی، اجل تعیین شده؟ برای روز
 داوری. و تو چه دانی که روز داوری چیست؟

نکته‌ها:

- «طمس» به معنای از بین رفتن و محو شدن است و شاید مراد از بین رفتن نور آنها باشد.
- «فرج» به معنای شکاف است و «و اذا السماء فرجت» به معنای شکاف برداشتن و پاره پاره شدن آسمان است.
- «اقتت» از «وقت» به معنای تعیین وقت برای گواهی دادن انبیا در قیامت است که بارها در قرآن به آن اشاره شده است. چنانکه در سوره مائده می‌خوانیم: «يوم يجمع الله الرسل فيقول ماذا اجتبتُم»^(۱) روزی که خداوند همه انبیا را جمع گرداند، پس گوید: چگونه امتتان دعوت شما را اجابت کردند.
- یکی از اسامی قیامت «يوم الفصل» یعنی روز جدایی است. در قرآن می‌خوانیم: «ان الله يفصل بينهم يوم القيامة»^(۲) خداوند متعال در روز قیامت بین آنها (و آنچه بدان دل بسته‌اند) جدایی می‌افکند.

۱. مائده، ۱۰۹.

۲. حج، ۱۷.

- در این آیات با سه تعبیر از عظمت قیامت یاد شده است: «لایّ یوم اجّلت لیوم الفصل و ما ادراك یوم الفصل» و تکرار کلمه «یوم» نشانه عظمت آن روز است.
- مشابه این چند آیه در سوره‌های دیگر قرآن نیز دیده می‌شود:
- «فاذا النجوم طمست» در جای دیگر می‌فرماید: «و اذا النجوم انکدرت»^(۱)
- «و اذا السماء فرجت» در جای دیگر می‌فرماید: «اذا السماء انشقت»^(۲)
- «و اذا الجبال نسفت» در جای دیگری می‌فرماید: «و یسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربّی نسفا»^(۳)
- «و اذا الرّسل اُقتت» در جای دیگر می‌فرماید: «یوم یجمع الله الرّسل»^(۴)

پیام‌ها:

- ۱- نظام کنونی آفرینش در قیامت دگرگون می‌شود؛ ستارگان محو و آسمان شکافته می‌شود و این دگرگونی بارها در قرآن یادآوری شده است: «فاذا النجوم طمست و اذا السماء فرجت»
- ۲- حقیقت قیامت تنها از راه وحی قابل شناخت است. «و ما ادريك ما یوم الفصل»
- ۳- جایی که پیامبر اکرم با آن علم گسترده، بر اسرار قیامت آگاهی کامل ندارد، تکلیف بقیه روشن است. «و ما ادراك ما یوم الفصل»
- ۴- در قیامت، برای گواهی پیامبران بر امت‌های خویش، وقتی معین قرار داده شده است. «و اذا الرّسل اُقتت، لایّ یوم اجّلت»

﴿۱۵﴾ وَیْلٌ یَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِینَ ﴿۱۶﴾ أَلَمْ نُهَکِ الْأَوَّلِینَ ﴿۱۷﴾ ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخَرِینَ ﴿۱۸﴾ کَذَٰلِکَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِینَ ﴿۱۹﴾ وَیْلٌ یَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِینَ

۳. طه، ۱۰۵.

۲. انشقاق، ۱.

۱. تکویر، ۲.

۴. مائده، ۱۰۹.

در آن روز، وای بر تکذیب کنندگان. آیا پیشینیان را هلاک نکردیم. سپس دیگران را در پی آنان آوردیم. ما با مجرمان این گونه عمل می‌کنیم. وای بر تکذیب کنندگان در آن روز.

نکته‌ها:

- در این سوره بارها آیه «وَلِیْلَیْوُمُذِلِّمُکَذِّبِیْنَ» تکرار شده و در پایان هر چند آیه، این هشدار به چشم می‌خورد.
- کلمه «وَلِیْلَیْ» در مقام هشدار و تهدید به عذاب و هلاکت به کار می‌رود و بر اساس روایات، نام وادی خاصی در جهنم و یا نام یکی از درهای آن است.

پیام‌ها:

- ۱- تکذیب کنندگان دین در معرض هلاکت و نابودی هستند و قهر خداوند نسبت به آنان، یک سنت الهی است. «وَلِیْلَیْوُمُذِلِّمُکَذِّبِیْنَ أَلَمْ نَهْلِكِ الْاَوَّلِیْنَ»
- ۲- با طرح تاریخ گذشتگان، وجدان‌های خفته را بیدار کنید. «أَلَمْ نَهْلِكِ الْاَوَّلِیْنَ»
- ۳- تکذیب دین سابقه طولانی دارد. «المُکَذِّبِیْنَ... الْاَوَّلِیْنَ»
- ۴- تمدن‌های بشری، اگر از مرز دین بگذرند، روبه افول و سقوط می‌روند و جای خود را به تمدن‌های دیگر می‌دهند. «نَهْلِكِ الْاَوَّلِیْنَ... نَتَّبِعُهُمُ الْاٰخِرِیْنَ»
- ۵- ریشه جرم و فساد در جامعه، تکذیب دین و ارزشهای دینی است. «المُکَذِّبِیْنَ... الْمُجْرِمِیْنَ»
- ۶- قهر خداوند قانونمند است و تنها مجرمان را در برمی‌گیرد. «كَذٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِیْنَ»
- ۷- عذاب‌های الهی، از روی انتقام نیست، بلکه بر اساس استحقاق انسان‌ها است. «كَذٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِیْنَ»

﴿۲۰﴾ أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ ﴿۲۱﴾ فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ
 ﴿۲۲﴾ إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ ﴿۲۳﴾ فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ ﴿۲۴﴾ وَيُلْ
 يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

آیا ما شما را از آبی پست خلق نکردیم. پس آن را در قرارگاهی استوار
 قرار دادیم. تا مدّتی معین. پس اندازه‌گیری کردیم و ما چه خوب
 اندازه‌گیریم. در آن روز وای بر تکذیب کنندگان.

نکته‌ها:

- «مہین» به معنای حقیر، ضعیف وقلیل و «مکین» به معنای محکم و استوار است.
- برای تولید یک محصول، لوازم و شرایطی مورد نیاز است، از جمله: تعیین اهداف، تأمین موادّ، طرح و برنامه، زمان‌بندی مراحل اجرا، خدمات پشتیبانی پس از تولید، تعمیر و اصلاح.
- در آفرینش انسان همه این مراحل پیش بینی و اجرا شده است:
- هدف: تکامل اختیاری و معنوی انسان. ﴿و ما خلقت الجنّ و الانس الاّ ليعبدون﴾^(۱)
- مواد اولیه: تراب و نطفه. ﴿من ماء مهین﴾،
- محلّ تولید: ﴿فی قرار مکین﴾،
- طرح و برنامه تولید: ﴿نطفة، علقة، مضغة...﴾،
- زمان‌بندی: ﴿الی قدر معلوم﴾،
- برنامه‌ریزی درونی: ﴿فاهمها فجورها و تقواها﴾^(۲)، همراه با کنترل بیرونی: ﴿اتّاهدیناه السبیل﴾^(۳) و ﴿انّ علینا للهدی﴾^(۴).
- خدمات پس از تولید: ﴿نحن قسمنا بینهم معیشتهم﴾^(۵).
- تعمیر و اصلاح: ﴿یقبل التوبة﴾^(۶)، ﴿انه غفور رحیم﴾^(۷).

۱. ذاریات، ۵۶. ۲. شمس، ۸. ۳. انسان، ۳.
 ۴. لیل، ۱۲. ۵. زخرف، ۳۲. ۶. توبه، ۱۰۴.
 ۷. انعام، ۵۴.

■ شاهکار خلقت آن است که خداوند آفرینش انسان را با آن همه پیچیدگی بر روی یک قطره آب طراحی کرده است که هیچ هنرمندی توان طراحی بر روی آن را ندارد. ﴿نَخْلَقُكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ﴾

■ خداوند در آفرینش انسان، یک بار مدالِ ﴿احْسِنِ الْخَالِقِينَ﴾^(۱) را به خود داده است و در اینجا عنوانِ ﴿نَعْمُ الْقَادِرُونَ﴾ را مطرح می‌کند.

آری، او بهترین خالق و بهترین قادر است.

■ عبارتِ ﴿نَعْمُ الْقَادِرُونَ﴾ را دو گونه می‌توان معنا کرد:

الف. با توجه به عبارتِ ﴿إِلَىٰ قَدَرٍ﴾ و ﴿فَقَدَرْنَا﴾ که پیش از آن آمده، مراد از «قادران» اندازه‌گیری باشد که خداوند بهترین اندازه‌گیری را در مورد انسان به کار برده است.

ب. با توجه به آنکه بحث خلقت و مراحل آن است که نیاز به قدرت دارد، مراد از «قادران» قدرت و توان باشد که خداوند کمال قدرت را در آفرینش انسان به کار برده است.

■ خداوند در همه چیز بهترین است:

بهترین یاری کننده و بهترین سرپرست: ﴿نَعْمُ الْمَوْلَىٰ وَ نَعْمُ النَّصِيرُ﴾^(۲)

بهترین پشتیبان: ﴿نَعْمُ الْوَكِيلُ﴾^(۳)

بهترین مهد گستر: ﴿فَنَعْمُ الْمَاهِدُونَ﴾^(۴)

بهترین اجابت کننده: ﴿فَنَعْمُ الْمُجِيبُونَ﴾^(۵)

بهترین پاداش دهنده: ﴿نَعْمُ أَجْرَ الْعَامِلِينَ﴾^(۶)

بهترین قادر و تقدیر کننده: ﴿نَعْمُ الْقَادِرُونَ﴾

پیام‌ها:

۱- آفرینش انسان از آبی بی‌مقدار، هم نشانه عظمت و قدرت الهی است و هم دلیلی بر معاد و آفرینش دوباره انسان. ﴿أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ﴾

۱. مؤمنون، ۱۴.	۲. انفال، ۴۰.	۳. آل عمران، ۱۷۳.
۴. ذاریات، ۴۸.	۵. صافات، ۷۵.	۶. آل عمران، ۱۳۶.

۲- یاد ضعف‌ها و ناچیز بودن گذشته‌ها، غرور و تکبر انسان را از بین می‌برد. ﴿أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَهِينٍ﴾

۳- در شیوه دعوت و تبلیغ، از مسایل محسوس بگوئید. ﴿أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَهِينٍ﴾
 ۴- از خداوند بیاموزیم و در کار و تولید، به دنبال استواری و استحکام باشیم. ﴿فِي قَرَارٍ مَكِينٍ﴾

۵- تقدیر و زمان بندی، از اصول آفرینش الهی است. ﴿إِلَى قَدَرٍ مَعْلُومٍ فَقَدَرْنَا﴾

۶- رشد جنین بر اساس اندازه‌گیری‌های دقیق الهی است. ﴿فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ﴾

﴿۲۵﴾ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا ﴿۲۶﴾ أَحْيَاءَ وَ أَمْوَاتًا ﴿۲۷﴾ وَ جَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا ﴿۲۸﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿۲۹﴾ أَنْطَلِقُوا إِلَى مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿۳۰﴾ أَنْطَلِقُوا إِلَى ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ ﴿۳۱﴾ لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهِبِ ﴿۳۲﴾ إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ ﴿۳۳﴾ كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ ﴿۳۴﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

آیا زمین را محل اجتماع زنده‌ها و مرده‌ها قرار ندادیم. و در آن کوههایی استوار و بلند قرار دادیم و آبی گوارا به شما نوشاندیم. پس در آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان. (به مجرمان گویند): بروید به سوی آنچه آن را تکذیب می‌کردید. بروید به سوی سایه‌ای سه شاخه، نه خنک است و نه از شعله آتش مصون می‌دارد. همانا دوزخ، شراره‌هایی به اندازه کاخ پرتاب می‌کند. گویی شترانی زرد مویند. در آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان.

نکته‌ها:

□ «کفات»، نام محلی است که در آن چیزی نهاده و گردآوری می‌شود. در روایات می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام نگاهی به قبرستان کرده و فرمود: اینجا کفات مردگان است و نگاهی به

خانه‌ها کرده و فرمود: اینجا کفات زنده‌هاست.^(۱)

■ مراد از «ظِلّ ذی ثلاث شعب» سایه‌ای است که از دود عظیم آتش دوزخ ایجاد می‌شود، اما روشن است که این سایه نه فقط آرامش بخش نیست بلکه سوزنده و آزار دهنده است. این دود به قدری متراکم و عظیم است که شاخه شاخه می‌شود، شاخه‌ای از بالای سر، شاخه‌ای از طرف راست و شاخه‌ای از سمت چپ، فرد دوزخی را فرامی‌گیرد و در کام خود فرو می‌برد.

■ زبانه‌هایی که از آتش دوزخ برمی‌خیزد، همانند قصرهای بلند دنیوی است و همچون شترانِ زرد رنگ است. گویا قرآن، کاخ‌نشینان و زراندوزان را تهدید می‌کند که مراقب باشید گرفتار شراره‌های قصرگونه دوزخ نشوید.

■ «شامحات» به معنای کوههای بلند و «فرات» به معنای آب گوارا است.

■ «ظِلّ ظلیل» به معنای سایه دائم و «ظِلّ لا ظلیل» یعنی سایه غیر مفید و غیر خنک.

■ «جمالت» جمع «جمل» به معنای شتر و «صُفر» جمع «اصفر» به معنای زرد است.

■ خداوند زمین را از نظر وسعت، نحوه حرکت، تأمین امنیت از طریق کوهها، تأمین آب مورد نیاز انسانها، گیاهان و حیوانات، به مناسب‌ترین شکل آفرید و خاک را بهترین وسیله برای از بین بردن زباله، آبهای آلوده و دفن مردگان قرار داد و در آن نوعی تصفیه خانه با داشتن خاصیت میکرب کشی قرار داد به نحوی که زمین آب آلوده می‌گیرد و آب زلال تحویل می‌دهد. این تصفیه‌خانه، طبیعی، مجانی، دائمی، عمومی و بدون پیدا شدن نقص فنی است. راستی اگر زمین وجود نداشت، بوی بد و تعفن همه را آزار می‌داد.

■ قهر الهی از همه سو مجرمان را احاطه می‌کند به نحوی که راه فراری در کار نیست و تنها راه به سوی دوزخ باز است. «انطلقوا الی ما کنتم به تکذّبون» چنانکه در آیات دیگر می‌فرماید: «کَلِمًا ارادوا أَن یُخْرِجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ اَعیدوا فیها وَ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِیقِ»^(۲)، «احاط بهم سرادقها»^(۳)

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. حج، ۲۲.

۳. کهف، ۲۹.

پیام‌ها:

- ۱- روی زمین بهترین جایگاه برای زندگان و درون آن بهترین جایگاه برای مردگان است. ﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا أَحْيَاءَ وَ أَمْوَاتًا﴾
- ۲- کوهها از منابع تأمین آب مورد نیاز است. ﴿رَوَاسِيَ شَاخِحَاتٍ وَأَسْقِنَاكُمْ مَاءً﴾
- ۳- صحنه قیامت به قدری سخت و دشوار است که گویا رفتن به دوزخ برای مجرمان نوعی رهایی است. ﴿انْطِقُوا إِلَى...﴾
- ۴- دوزخ را دود غلیظی احاطه کرده است که سایه آفرین است، اما در آن هیچ آسایشی نیست. ﴿ظِلٌّ... لَا ظِلِيلَ﴾
- ۵- کاخ‌ها و سرمایه‌هایی که در دنیا به ناحق به دست می‌آیند، در قیامت به شراره‌های دوزخ تبدیل می‌شوند. ﴿كَالْقَصْرِ كَأَنَّهٗ جَمَالَةٌ صَفْرٌ﴾
- ۶- وقتی زبانه‌های آتش دوزخ مانند قصر بلند و مانند شتر عظیم باشد، خود آتش چگونه خواهد بود! ﴿بَشَرٍّ كَالْقَصْرِ كَأَنَّهٗ جَمَالَةٌ صَفْرٌ﴾
- ۷- ریشه همه جرم‌ها، عقاید فاسد است. زیرا کسی که اعتقاد ندارد و حق را تکذیب می‌کند، به هر کار خلافی دست می‌زند. ﴿وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ﴾

﴿۳۵﴾ هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ ﴿۳۶﴾ وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ
 ﴿۳۷﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿۳۸﴾ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ
 وَ الْأَوَّلِينَ ﴿۳۹﴾ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُوا ﴿۴۰﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ
 لِلْمُكَذِّبِينَ

(مجرمان) در این روز حرفی برای زدن ندارند. و به آنان اجازه داده نمی‌شود تا عذر خواهی کنند. در آن روز وای بر تکذیب کنندگان. این روز، روز جدایی است که شما و پیشینیان را جمع کردیم. پس اگر چاره‌ای دارید به کار گیرید. در آن روز وای بر تکذیب کنندگان.

نکته‌ها:

■ قیامت دارای مواقف متعددی است. در یک موقف بر لب‌ها مهر زده می‌شود و کسی توان سخن گفتن ندارد: ﴿هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ﴾ و ﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ﴾^(۱) و در مواقف دیگر گفتگوهای در کار است. آیات زیادی در قرآن به بیان گفتگوها و ناله‌های مجرمان در قیامت پرداخته است.

■ امام صادق علیه السلام فرمود: خدا عادل‌تر از آن است که بنده‌اش عذر داشته باشد و خداوند اجازه ندهد آن را بیان کند، ولی چون بنده گنه‌کار عذری ندارد، به او اجازه داده نمی‌شود در دادگاه الهی سخنی بگوید.^(۲)

■ در دنیا انسان قادر است تا خود یا دیگران را فریب دهد و به وسیله زر و زور و تزویر و یا وعده و تهدید و رشوه، یا وابستگی نسبی و سببی برای خود چاره‌ای بیندیشد ولی در قیامت راه برای تمام این کارها بسته است. ﴿فَانْكَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونَ﴾

پیام‌ها:

۱- در قیامت، مجرمان یا از روی ترس، یا به خاطر بی‌فایده بودن، یا به خاطر مهر خوردن بر دهان و یا به خاطر روشن بودن همه مسایل، سخن نمی‌گویند.

﴿هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ﴾

۲- مبلّغ و مربّی نباید از تکرار هشدار خسته شود. در این سوره آیه ﴿وَيَلُومُنَّ الْمُكَذِّبِينَ﴾ ده مرتبه تکرار شده است.

۳- قیامت، هم روز جمع است و هم روز فصل. ﴿هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمْعَانَا﴾ (از یکسو همه جمع می‌شوند و هیچ کس جا نمی‌ماند: ﴿وَحْشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نَغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾^(۳) و از سوی دیگر میان خوبان و بدان فیصله داده می‌شود و جدایی می‌افتد، حتّی بهشتیان در بهشت درجاتی دارند).

۴- قیامت، روز قضاوت است نه عذرخواهی. ﴿لَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ... هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ﴾

۱. یس، ۶۵. ۲. کافی، ج ۸، ص ۱۷۸. ۳. کهف، ۴۷.

- ۵ - در قیامت نه فرار است، نه فریب و نه فدیة‌ای قبول می‌شود و راهی برای فلاح وجود ندارد. ﴿ان کان لکم کید فکیدون﴾
- ۶ - در قیامت، مجرمان ناتوان و درمانده از هر گونه چاره اندیشی‌اند. ﴿فان کان لکم کید فکیدون﴾

﴿۴۱﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ ﴿۴۲﴾ وَفَوَاحِهِ مِمَّا يَشْتَهُونَ
 ﴿۴۳﴾ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۴۴﴾ إِنَّا كَذَلِكَ
 نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿۴۵﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

همانا تقوی پیشگان در سایه‌ها و چشمه‌ها (قرار دارند). و هر نوع میوه که بخواهند. بخورید و بیاشامید به پاداش آنچه انجام می‌دادید، گوارایتان باد. همانا ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. در آن روز وای بر تکذیب کنندگان.

نکته‌ها:

- در آیات قبل، خداوند ویژگی‌های دوزخ و دود و آتش سه شعبه‌ای که آن را احاطه کرده بیان فرمود و در این آیه در مقابل آن، سه نعمت برای اهل تقوی بیان فرموده است: ﴿ظلال و عیون و فواکه﴾
- کلمه ﴿هَنِيئًا﴾ آنجا به کار می‌رود که هیچ سختی و ناگواری به دنبال نباشد و کاملاً گورا و مطبوع باشد.

□ یکی از شیوه‌های تربیتی قرآن، شیوه مقایسه است:

پاداش متقین:	کیفر مجرمین:
﴿فی ظلال و عیون﴾	﴿ظِلٌّ ذی ثلاث شعب لا ظلیل﴾
﴿کلوا و اشربوا هَنِيئًا﴾	﴿کلوا و تمتعوا قلیلاً انکم مجرمون﴾
﴿انا کذلک نجزی المحسنین﴾	﴿کذلک نفعل بالمجرمین﴾
﴿هَنِيئًا بما کنتم تعملون﴾	﴿انطلقوا الی ما کنتم به تکذبون﴾

□ سؤال: چرا بعد از آیات مربوط به بهشت نیز آیه ﴿ویل یومئذ للمکذبین﴾ آمده است؟

پاسخ: شاید به خاطر آن که حسرت محرومیت از نعمت‌های بهشت، خود بالاترین عذاب‌هاست.

پیام‌ها:

- ۱- بهشت و دوزخ دارای سایه‌های متفاوت است. ﴿ظِلٌّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ... فِي ظِلَالٍ وَ عِيُونٍ﴾
- ۲- انسان تنوع طلب است و در بهشت، باغ‌ها، چشمه‌ها، میوه‌ها، خوراکی‌ها و نهرها همه متنوع‌اند. ﴿فِي ظِلَالٍ وَ عِيُونٍ وَ فَوَاكِهٍ مَّمَّا يَشْتَهُونَ﴾
- ۳- وجود آب و درخت در کنار هم، نشانه کامیابی کامل است. ﴿فِي ظِلَالٍ وَ عِيُونٍ﴾
- ۴- محرومیت مؤمنان در دنیا، با کامیابی در قیامت جبران می‌شود. ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَ عِيُونٍ﴾
- ۵- معاد جسمانی است و نعمت‌های آن متناسب با نیازهای جسم بشری. ﴿وَ فَوَاكِهٍ مَّمَّا يَشْتَهُونَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا﴾
- ۶- میوه برترین خوراکی‌هاست. در قرآن در مورد کامیابی بهشتیان به میوه بسیار اشاره شده است. ﴿وَ فَوَاكِهٍ مَّمَّا يَشْتَهُونَ﴾
- ۷- دریافت نعمت وابسته به عملکرد انسان است. ﴿هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾
- ۸- خوردنی‌های بهشتی عارضه و مشقتی را به دنبال ندارد. ﴿كُلُوا وَ اشْرَبُوا هَنِيئًا﴾
- ۹- بهشت را به بها دهند نه بهانه. ﴿بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾
- ۱۰- عملی ارزش دارد که دائمی و پایدار باشد، نه موسمی و مقطعی. ﴿كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾
- ۱۱- لازمه‌ی تقوا، تلاش و احسان است. ﴿الْمُتَّقِينَ... كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ... الْمُحْسِنِينَ﴾
- ۱۲- سنت الهی در کیفر و پاداش انسان‌ها یکسان است. ﴿إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾
- ۱۳- تکرار هشدار نشانه لطف خداوند است تا شاید مستکبران بر سر عقل آیند و از تکذیب حقایق دین دست بردارند. ﴿وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ﴾

﴿٤٦﴾ كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُّجْرِمُونَ ﴿٤٧﴾ وَيَلْ يَوْمَئِذٍ
لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٨﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ ﴿٤٩﴾ وَيَلْ
يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٥٠﴾ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ

بخورید و بهره گیرید اندک که همانا شما مجرّمید. در آن روز وای بر تکذیب
کنندگان. و هر گاه به آنان گفته شود رکوع کنید، رکوع نمی کنند. در آن روز وای
بر تکذیب کنندگان. پس بعد از این (قرآن) به کدامین سخن ایمان می آورند؟

نکته ها:

- پزشک در دو حالت به بیمار اجازه می دهد که هر غذایی را بخورد: یکی آنجا که بیمار درمان گشته و سالم است و دیگر آنجا که بیماری فرد لاعلاج و بدون درمان است و پزشک از بهبود او مأیوس شده است. در قرآن نیز فرمان ﴿كلوا﴾ گاهی نشانه امید و سلامتی است و گاهی نشانه قهر الهی، چنانکه در آیات خداوند خطاب به مجرمان می فرماید: ﴿كلوا و تَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُّجْرِمُونَ﴾ و نظیر آیه ﴿اعملوا ما شئتم﴾^(۱) هر کاری می خواهید، بکنید.
- پیامبر اکرم ﷺ به قبیله ثقیف دستور نماز داد، آنها گفتند: ما در برابر کسی خم و راست نمی شویم. حضرت فرمود: دینی که رکوع و سجود در آن نباشد، خیری نیست. «لا خیر فی دین لیس فیہ رکوع و لاسجود»^(۲)
- بعد از فتح مکه پیامبر اکرم ﷺ از همسر ابوسفیان (مادر معاویه) پرسید: اسلام را چگونه می بینی؟ گفت: اسلام خوب است مگر سه چیز آن: حجاب، اذان بلال، رکوع و سجود. پیامبر در پاسخ فرمود: اما حجاب بهترین پوشش است و نماز بدون رکوع و سجود نماز نیست و بلال نیز بهترین بنده است.^(۳)
- «حدیث» به معنای سخن جدید و تازه است که از دیگران سابقه ندارد.
- حضرت ابراهیم پس از تجدید بنای کعبه از خداوند خواست تا فقط به اهل ایمان روزی دهد. ﴿و ارزق اهلہ من الثمرات من آمن منهم﴾ اما خداوند فرمود: من در دنیا به کفار نیز

۱. فصلت، ۴۰.

۲. بحار، ج ۱۷، ص ۵۲.

۳. تفسیر الکاشف.

روزی می‌دهم و حساب قیامت از دنیا جداست. ﴿و من کفر فامتنه...﴾^(۱)

□ رکوع از ارکان نماز و مشخصه و نشانه ویژه نماز است، زیرا سجده به خودی خود و خارج از نماز نیز محقق می‌شود، مانند سجده شکر. ولی رکوع جایگاهی جز نماز ندارد و لذا درباره نماز کلمه رکعت به کار می‌رود. ﴿اذا قیل لهم اركعوا لا یرکعون﴾

پیام‌ها:

- ۱- کامیابی دنیا نسبت به کامیابی آخرت، بسیار ناچیز است. ﴿کلوا وتمتعوا قليلاً﴾
- ۲- کامیابی از نعمت‌های دنیا، نشانه محبوبیت نزد خداوند نیست. (مجرمان نیز بهره‌مند می‌شوند). ﴿کلوا وتمتعوا قليلاً انکم مجرمون﴾
- ۳- بهره‌مندان از نعمت‌های الهی، فقط بهره‌مادی است. ﴿کلوا وتمتعوا... انکم مجرمون﴾
- ۴- زندگی دنیا هر قدر هم طولانی باشد، نسبت به آخرت ناچیز است. ﴿تمتعوا قليلاً﴾
- ۵- از نشانه‌های تکذیب عملی دین، ترک نماز است. (ترک نماز در میان دو کلمه «مکذبین» قرار گرفته است). ﴿ویل یومئذ للمکذبین اذا قیل لهم اركعوا لا یرکعون ویل یومئذ للمکذبین﴾
- ۶- انکار دین و ارتکاب جرم، ملازم یکدیگرند. ﴿انکم مجرمون ویل یومئذ للمکذبین﴾
- ۷- قرآن، شیواترین، تازه‌ترین و شایسته‌ترین پیام برای مردم است. ﴿فبائی حدیث﴾
- ۸- مطالب قرآن هرگز کهنه نمی‌شود و در هر زمان، نو و تازه است. ﴿فبائی حدیث بعدہ﴾
- ۹- اگر کسی به قرآن ایمان نیاورد، به کدام سخن ایمان خواهد آورد. ﴿فبائی حدیث بعدہ یؤمنون﴾

«والحمد لله رب العالمین»